

## چالش‌های فراروی جریان اسلام‌گرایی نوین در ساخت قدرت ترکیه

کامبیز قهرمانی<sup>۱</sup> - ابراهیم متقی<sup>۲</sup> - علیرضا گلشنی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

### چکیده:

هدف این پژوهش بررسی چالش‌های فراروی جریان اسلام‌گرایی نوین در ساخت قدرت ترکیه اسلام‌گرایی است. اسلام‌گرایان نوین ترکیه بازیگرانی هستند که به طور عملی توانسته‌اند گفتمان کمالیستی در این کشور را به روش‌های دموکراتیک تضعیف کرده، گفتمان تازه اسلام‌گرایی را در این کشور به منصف ظهور برسانند. سیاست داخلی و خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه با دو چالش عمده روبرو شده است: اقتدارگرایی داخلی، و سیاست تهاجمی در سیاست خارجی. هر دو مسئله به شدت مشروعیت داخلی و بین‌المللی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. اقتدارگرایی داخلی بیش از هر چیز ناظر بر قدرت‌طلبی اردوغان است که با حذف رقیبان و تغییرات در قانون اساسی، یادآور سلطانیسم اسلامی و ترکی است که مدت‌های طولانی بر گذشته ترکیه مستولی بوده‌اند. نوع‌ثمنی‌گری محور اصلی سیاست خارجی ترکیه است. رهبران ترک تلاش می‌کنند تا با تکیه بر نقش «محوری» این کشور، جایگاه و رسالتی تاریخی و بزرگ برای کشورشان در نظر گیرند. از سوی دیگر، تعلقات ایدئولوژیکی نیز رهبران حزب عدالت و توسعه را رها نمی‌کند. آنان با این استدلال که ترکیه کشوری اسلامی است به شدت به دفاع از سیاست‌های منطقه‌ای برخی جریان‌های اسلام‌گرا نظیر اخوان المسلمین روی آورده‌اند.

**واژگان کلیدی:** قدرت، سکولار، اسلام‌گرا، ترکیه، حزب عدالت و توسعه

---

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری، اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران  
gharamanikambiz@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استاد تمام و عضو هیئت علمی، علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول

emottghi@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> - دانشیار و عضو هیئت علمی، علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران  
agolshani41@yahoo.com

## مقدمه

با نگاهی به ساختار و ترکیب نیروهای سیاسی فعال در سپهر سیاسی ترکیه می‌توان دریافت که سه جریان چپ، راست و مذهبی در چارچوب تقسیم‌بندی بزرگ‌تر سکولار و اسلام‌گرا به رقابت مشغول‌اند. ولی به‌طور کلی و برای تبیین عرصه سیاست داخلی ترکیه را باید با توجه به تعامل و تقابل سه نیروی سیاسی-اجتماعی عمده، یعنی جریان چپ‌گرا، جریان راست‌گرا و جریان اسلام‌گرا تجزیه و تحلیل کرد. مؤلفه‌های تشکیل دهنده این بازیگران و نیروهای سیاسی-اجتماعی را می‌توان در سه متغیر مهم ملیت، مذهب و تجدد غربی دانست؛ متغیر سوم، یعنی تجدد غربی هرچند به طور خاص از نیمه قرن نوزدهم و عصر تنظیمات همان‌طور که به آن اشاره کردیم به حیات سیاسی و اجتماعی ترکیه، وارد شد، در کنار دو متغیر دیگر، ظرفیت و نقش مهم در تحول‌های درونی جامعه و سیاست ترکیه بازی می‌کند. (مطلبی و زمانی، ۱۳۹۳) بر این اساس می‌توان گفت در منازعه عوامل تأثیرگذار در صحنه سیاسی ترکیه اسلام‌گرایی، سکولاریسم و غرب‌گرایی نقش عمده‌ای را ایفا می‌نمایند ولی می‌توان غرب‌گرایی را به عنوان متغیری دانست که در هر دو طرف منازعه یعنی اسلام‌گرایی و سکولاریسم تأثیر خود را گذاشته است.

چنین به نظر می‌رسد که هم سکولاریسم و هم اسلام‌گرایی ترکی ردپایی از غرب‌گرایی را در خود دارند. سکولاریسم ترکی تحت تأثیر جریان مدرنیزاسیون غربی هویت خود را از مدرنیسم غربی دریافت نموده است و جریان اسلام‌گرایی نیز با تأثیر از غرب‌گرایی و مؤلفه‌های آن مانند دموکراسی، تساهل، حقوق بشر و نفی خشونت نسخه‌ای تعدیل شده و ترکی از اسلام سیاسی را که با اسلام سیاسی سایر کشورهای منطقه تفاوت‌های بنیادینی دارد را به جهان معرفی کرده است. هر چند حضور و نقش ارتش در صحنه سیاست، سنتی است که در بخش اعظم کشورهای جهان سوم وجود دارد، نقش و جایگاه ارتش در فضای جامعه ترکیه خصلتی ویژه و متفاوت دارد. هر چند که نفوذ و مشارکت نظامیان در امر تصمیم‌سازی سیاسی، جزو لاینفک حیات سیاسی ترکیه بوده است، جایگاه ارتش در ترکیه برخلاف الگوی حاکم بر کشورهای جهان سوم است، زیرا نهاد ارتش در ترکیه از میراثی بلندمدت در فرهنگ سیاسی و تاریخی ترکیه بهره‌مند است و همچنین از آرمان‌ها و منافع ویژه پیروی می‌کند. (موسوی و نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۱۴) حضور ارتش در ترکیه همواره به عنوان نگهبان و حافظ کیان و منافع ملی کشور مطرح بوده است. استقلال سیاسی ارتش و قدرت خیره‌کننده پشت پرده آن،

حالت فراساختاری و حتی کاربزماتیک دارد. حفظ وحدت سیاسی کشور در مقابل شکاف‌های اجتماعی - سیاسی همواره جزئی از منافع ملی مورد ادعای ارتش و توجیه‌کننده ماهیت مستقل ارتش بوده است. (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۲۵۴)

### چارچوب نظری

سابقه سکولاریسم در ترکیه را می‌توان به زمانی ماقبل به قدرت رسیدن ملی‌گرایان به رهبری آتاتورک منتسب نمود. دورانی که سلطان عبدالحمید پس از شکست در جنگ‌های کریمه برای اولین بار مفهوم شهروندی را به رسمیت شناخت و براساس دست‌خط همایونی که بعد از جنگ‌های کریمه صادر می‌کند، اعلام می‌دارد که نسبت کلیه شهروندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان با امپراتوری یکسان است. (رحمانی، ۱۳۹۳: ۵۴) این اتفاق را می‌توان آغاز سکولاریسم در امپراتوری عثمانی دانست زیرا پس از این فرمان بود که دیگر رابطه افراد با حکومت براساس دین تعیین نمی‌گردید بلکه براساس تابعیتشان از حکومت مرکزی مشخص می‌شد و می‌توان گفت شکاف‌هایی هم که در درون امپراتوری عثمانی شکل می‌گیرد ریشه در همین رخداد دارد؛ ذات این امپراتوری براساس خلافت شکل گرفته و با ورود سکولاریسم و مدرنیسم به جامعه عثمانی این جامعه تبدیل به جامعه‌ای پارادوکسیکال شد. (رحمانی، ۱۳۹۳: ۵۵) یکی از مهم‌ترین دلایل سقوط امپراطوری عثمانی را می‌توان در نوع رابطه نهاد حکومت و نهاد مذهب دانست. در دوره اقتدار حکومت عثمانی شیخ‌الاسلام به عنوان مسئول دستگاه روحانیت امپراطوری عثمانی با کارکردی شبیه نهاد کلیسا به خاطر وابستگی به مجموعه حکومت قدرت تأثیرگذاری خود بر توده‌ها و قدرت بسیج کردن آنها را برخلاف هم‌تایان شیعه‌شان از دست داده بودند و یکی از دلایل اصلی استقرار سریع و راحت لائسیسته در ترکیه همین عدم برخورد و مواجهه با ایدئولوژی مستحکم و قوی دینی بود. همچنین نوع نگاه حکومت عثمانی به مسئله ملیت و ناسیونالیسم نیز یکی دیگر از مواردی بود که سبب شد لائسیسم با بهره‌گیری از مشترکات این ایدئولوژی ملی‌گرایانه به راحتی و با کمترین مقاومت خود را جایگزین آن نماید.

هرچند جامعه ترکیه تنش‌ها و بحران‌هایی متعدد را در این مسیر، شاهد بوده است و در آینده نیز خواهد بود، باید اذعان کرد که جامعه امروزی ترکیه تحول‌هایی عمیق را تجربه کرده است که سکولاریسم در آن نهادینه شده است و روند تسلط جلوه‌های فرهنگ مدرن در محیط‌های پیرامونی و حاشیه‌ای ترکیه نیز نفوذ کرده است و همچنین باید توجه داشت که البته نظام سیاسی ترکیه نیز به دنیاگرایی مردم به طور عام و جهت‌دار دامن می‌زند و اصل لائسیسم را

به عنوان رگ حیات نظام سیاسی ترکیه تثبیت کرده است؛ در مقابل، احزاب اسلامی نیز سعی می‌کنند خود را با گرایش‌های مصلحت‌گرایانه عموم مردم منطبق کنند و به طور مشخص، یک حزب آشکارا مذهبی در فضای جامعه ترکیه جایگاهی نخواهد یافت. در ذهن بیشتر مردم جامعه ترکیه میان سکولاریسم و اسلام، تناقض و تضادی وجود ندارد. ترکیه به عنوان کشوری با اکثریت مسلمان در خاورمیانه ظهور یافته است که می‌توان گفت در آن سکولاریسم و اسلام تلفیق شده‌اند. (گونزماراتزکور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۵)

در انگاره‌های روابط بین‌الملل و خط‌مشی حاکم بر دیدگاه‌های تصمیم‌سازان و اتاق‌های فکر کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده آمریکا دیدگاه‌های متضادی درباره اسلام-گرایان مطرح می‌باشد و چیستی و چرایی اسلام‌گرایی و همچنین شیوه‌های اقدام و عمل آنان در زمینه دستیابی به قدرت همواره مورد سؤال بوده است. تقسیم‌بندی اسلام‌گرایان نیز از دیدگاه تصمیم‌سازان غربی همواره مابین دشمنان با لذت فرهنگ، تمدن و دموکراسی غرب تا دین‌دارانی رواج و منعطف در نوسان بوده است. در تقسیم‌بندی جریان‌ات حاکم بر جهان اسلام ترکیه و جریان‌های اسلامی آن همواره در میان نیروهای معتدل جهان اسلام تقسیم بندی شده‌اند و نوع اسلام آنان برخلاف اسلام انقلابی در ایران به عنوان همکار و شریک راهبردی غرب در منطقه خاورمیانه انگاشته می‌شود. پراگماتیسم سیاسی از اصلی‌ترین شاخصه‌های اسلام‌گرایان حاکم بر ترکیه می‌باشد و همین امر روابط اسلام‌گرایان و سکولارها در ترکیه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. جنبش مذهبی «فتح‌الله گولن»<sup>۲</sup> و حرکت‌های «اسلام بنیادگرا» یا «اسلام سنتی سیاسی» و مهم‌تر از همه «حزب عدالت و توسعه» نشان از حرکت‌های مذهبی-سیاسی در جامعه ترکیه در قرن بیستم و قرن بیست و یکم دارد در حوزه سیاست خارجی نیز براساس تحلیل‌های سازه‌انگارانه مناسبات مسکو و آنکارا نتیجه تلفیق هنجارهای ملی و فراملی در سطح جامعه ترکیه و تغییر نگرش نخبگان فکری و ابزاری حزب عدالت و توسعه به سیاست خارجی است. ولی عامل ژئوپلیتیک در مناطق مورد منازعه و رقابت دو کشور نقش اساسی در جهت‌دهی به روابط این دو کشور دارد. قفقاز و سوریه دو بخش از اصلی‌ترین منازعات ژئوپلیتیک دو کشور می‌باشد و حتی همکاری‌های این دو کشور نیز به صورت تاکتیکی و راهبردی از این رقابت ژئوپلیتیک تأثیر می‌گیرد.

<sup>1</sup> - Gunesmurattezcür

<sup>2</sup> - Fethullah Gülen

با این حال در نگرش نو عثمانی‌گرایی سیاست خارجی اردوغان و داعیه جهان‌گرایانه ترکیه که در گسترش مرزهای نفوذ استراتژیک این کشور در منازعات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای خود را نشان داده است نقش ایالات متحده آمریکا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. رقابت‌های ژئوپلیتیک دو کشور براساس واقعیت‌های منطقه شکل گرفته است ولی همکاری-های دو کشور را نیز می‌توان علاوه بر جنبه‌های اقتصادی از منظر بازی اردوغان با کارت روسیه برای جلب نظر و گرفتن امتیاز از ایالات متحده آمریکا نیز تفسیر نمود. چه در دوران اوباما و چه در دوران ترامپ رقابت‌ها و منازعات میان روسیه و ایالات متحده آمریکا فرصت مناسبی را برای تیم سیاست خارجی ترکیه به وجود آورده تا ضمن همکاری با روسیه، به صورت استراتژیک به ایالات متحده نیز نزدیک شود و از حمایت آمریکا در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌مند گردد. (کوزه‌گر، ۱۳۹۲: ۳۵)

### ساخت گفتمانی قدرت در ترکیه

#### - گفتمان قدرت اسلام‌گرایان

گفتمان اسلام‌گرایی در واقع شامل آن دسته از جوامع و هوادارانی از اسلام می‌شود که حضور نیرومندتری در مسائل سیاسی دارند و درصدد هستند تا با این اسلام سیاسی نظامی از ارزش-های مدرن را بنا کنند که بتوان در امور سیاسی به آنها استناد کرد. ساخت هویتی اسلام-گرایان ترکیه شامل اسلام‌گرایان سنتی مانند طرفداران مندرس و اربکان می‌شود که مؤسس احزاب اسلامی مانند حزب دموکرات و حزب نظام ملی و بعدها احزاب فضیلت و رفاه و سعادت در دهه‌های قبل بودند و توانستند حکومت را برای دوره‌های مختلف در دست بگیرند. البته مهم‌ترین داعیه‌داران اسلام‌گرایی در ترکیه، اسلام‌گرایان میانه‌رو مانند عبدالله گل و رجب طیب اردوغان هستند که مؤسس حزب عدالت و توسعه به شمار می‌روند و از سال ۲۰۰۲ تاکنون قدرت را در اختیار دارند. قشر متوسط و میانی جامعه ترکیه، تحصیل‌کردگان مدارس امام خطیب، افراد سنتی‌تر و متدینین در ترکیه، مسجد گروه‌های اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین از مهم‌ترین طرفداران این گفتمان به شمار می‌روند.

#### - اسلام‌گرایان و مواضع آنها

اسلام‌گرایی نجم‌الدین اربکان چندان دوام نیاورد. تضادهای گفتمانی در ترکیه باعث شد تا جریان سکولاریسم در این کشور با حمایت ارتش و نظامیان، قدرت را از اسلام‌گرایان پس بگیرد. با این اوصاف، از عدنان مندرس تا نجم‌الدین اربکان و از اردوغان تا گولن به عنوان

رهبران نسل جدید جریان اسلام‌گرایی هر یک ویژگی‌های خاص خود را به جریان اسلام سیاسی ترکیه منتقل نموده‌اند و ماهیت آن را تحت تأثیر قرار داده‌اند. با این حال با نگاهی به گذشته جریان اسلام‌گرا و چیزی که ماتحت عنوان نوزایی اسلام سیاسی در ترکیه از اوایل دهه ۹۰ میلادی با روی کار آمدن اربکان و به صورتی واضح‌تر از سال ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه مشاهده می‌کنیم. (حسنوند، ۱۳۹۴: ۲۲) اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه خلف جریان‌های اسلامی قبل خود به ویژه اندیشه‌های نجم‌الدین اربکان هستند. اردوغان معاون اربکان بود اما پس از کودتایی که علیه اربکان صورت گرفت اردوغان تصمیم گرفت مشی معتدل‌تری اتخاذ کند. پس از انحلال احزاب رفاه و فضیلت، جریان اسلام‌گرایی حزب سعادت را با گرایش‌های اسلامی تأسیس کرد اما اصلح طلبان و نوگرایان این شاخه یعنی اردوغان و عبدالله گل حزب عدالت و توسعه را در سال ۲۰۰۱ تأسیس کردند. انتخابات زودهنگام در سال ۲۰۰۲ به پیروزی نوگرایان انجامید. حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ دیدگاه‌های معتدل و غیر ایدئولوژیک ۳۴/۲ از آرا را کسب کند و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب دولت تشکیل دهد و تا اکنون نیز قدرت را در دست دارد.

اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه آن چنان که رهبران و پیروان آن بیان می‌کنند تضادی با ارزش‌های سکولاریستی کمالیستی ندارد. این گفتمان تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از دال‌های شناور در هر دو گفتمان (اسلام‌گرایی و سکولاریستی) مواضع معتدلی در حوزه سیاست داخلی و خارجی اتخاذ نماید. از این جهت، مشی این دولت پس از به قدرت رسیدن در ارتباط با مسائل داخلی و خارجی اعتدال و میانه‌روی بوده است. در ارتباط با مسائل دینی و اسلامی، دولت اردوغان تلاش کرده است به تدریج مشی لائیسزم در دولت ترکیه را که به منزله مخالفت با مذهب می‌باشد به سوی سکولاریسم و قبول مذهب در حوزه خصوصی افراد جامعه سوق دهد. هر چند دولت اردوغان تلاش کرد با در پیش گرفتن مشی اعتدالی، با نظامیان، کمالیست و مخالفین خود درگیر نشود، اما با اتمام دوره ریاست جمهوری ترکیه و پیشنهاد عبدا... گل به عنوان نامزد حزب عدالت و توسعه به پارلمان برای کسب مقام ریاست جمهوری و مخالفت همه جانبه سایر احزاب و نظامیان و نیز ترک پارلمان در زمان رأی‌گیری، چالشی جدی در صحنه سیاسی ترکیه پدید آمد که به انحلال پارلمان و انتخابات زودهنگام منجر شد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۶: ۳۶)؛ بنابراین باید گفت در ترکیه سه رویکرد متفاوت از اسلام سیاسی تشخیص داده می‌شود:

۱- اسلامی که با فرهنگ کشور ترکیه هماهنگ است، یعنی اسلام امپراتوران عثمانی که با مدرنیته کردن کمالیست‌ها سازگار است.

۲- اسلامی که حضور نیرومندتری در مسائل سیاسی دارد و ترک‌های مذهبی و محافظه - کار بر این اسلام اصرار دارند. جنبش اسلامی ترکیه هم اکنون به دو گروه منشعب شده است: یک گروه اسلام سنتی را پذیرفته (که موقعیت خود را از دست داده است) و گروه دیگر می - خواهد به کمک اسلام، نظامی از ارزش‌های مدرن را بنا کند که بتوان در امور سیاسی به آنها استناد کرد (همان‌طور که احزاب دموکرات مسیحی در اروپا به ارزش‌های مسیحیت استناد می‌کنند). این گروه در انتخابات سال ۲۰۰۰ قدرت گرفت.

۳- رویکرد افراطی از اسلام سیاسی در ترکیه که خشونت آن، اعتبار اسلام را به چالش کشیده است. (حوزه، ترکیه و آینده تمایلات اسلام‌گرایانه، ۶ تیر ۱۳۸۸)

#### - گفتمان قدرت سکولارها

گفتمان سکولاریسم در ترکیه تا مدت‌های زیادی تحت تأثیر اقتدارگرایی آتاتورک و گرایش - های مذهب‌ستیزانه وی قرار داشته است. اقتدارگرایی و ضدیت با دین و مظاهر دینی، براساس آموزه‌های لائیسزم ترکی نه تنها باید از مانع دین عبور کرد بلکه باید آن را تا حدود زیادی منهدم ساخت. در راستای غیرمذهبی کردن جامعه، آتاتورک اقدامات فراوانی انجام داد: ممنوعیت استفاده از لباس‌های مذهبی و فعالیت طریقت‌ها و گروه‌های اسلامی در سال ۱۹۲۵؛ جایگزین شدن تقویم میلادی به جای تقویم هجری در سال ۱۹۲۸؛ تعطیلی رسمی روز یکشنبه به جای روز جمعه؛ برچیده شدن عبارات مذهبی از سردر اماکن عمومی در سال ۱۹۲۷؛ اعلام مصوبه دولت در سال ۱۹۳۲. در راستای الزامی کردن قرائت اذان و نماز به زبان ترکی و نگارش و انتشار قرآن به زبان ترکی و... (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۴) آتاتورک با این اقدامات بنیان‌گذار ایده جدیدی از پیشرفت و توسعه بود که در راستای آن، مذهب به عنوان امری ثانوی و در خدمت اهداف دولت مدرن قرار می‌گیرد. ایده‌های مدرن‌سازی آتاتورک باعث شد تا گفتمان اسلام‌گرایان برای مدت‌های طولانی جایی در قدرت سیاسی این کشور نداشته باشد. علاوه بر این، ساخت هویتی جریان سکولاریسم در ترکیه شامل: حزب جمهوری‌خواه خلق، کمالیست‌ها، نظامیان، لائیسسیست‌ها، قضاتی که در رده‌های بالای قضایی در ترکیه قرار دارند و خود را حافظان آموزه‌های آتاتورک می‌دانند، می‌شود. مهم‌ترین طرفداران این گفتمان نیز، ارتشیان،

قوه قضاییه و روشنفکران و معتقدان به جدایی دین از سیاست هستند که معمولاً اقشار بالای جامعه ترکیه را تشکیل می‌دهند.

### - سکولاریست‌ها و مواضع آنها

در تقابل با گفتمان اسلام‌گرایی، گفتمان سکولاریسم دیده می‌شود. این گفتمان طیف متعددی از ملی‌گرایان ترک، دموکراسی خواهان، سکولاریست‌ها، لائیک‌ها و ... را شامل می‌شود که در عین تفاوت‌های صوری و حزبی، توافق عمده‌ای بر روی قانون اساسی سکولار ترکیه و آرمان‌های آتاتورک دارند؛ بنابراین در تاریخ نوین ترکیه می‌توان "تعارضی بین دو ترکیه متفاوت" و انشقاقی میان دو گروه اسلامی و سکولار نگریست. (براس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲) در ترکیه، سکولاریسم که عموماً به عنوان جدایی دین و سیاست از آن یاد می‌شود، برچسبی برای گروه‌های مترقی، پروژه‌های برای مدرنیزاسیون حکومتی، مدلی برای ترویج اسلام روشنفکری و نیز راهبردی در راستای نفی تعارض دینی است. بررسی سکولاریسم از آن رو که در پی باز تعریف معنا و نقش دین در جامعه است و نیز اسلام‌گرایی، به عنوان مفاهیمی متعامل و اثرگذار بر یکدیگر، اهمیت فراوان دارد. سکولاریسم در چنین قالبی نوعی راه‌حل سیاسی برای مهار و بازآفرینی اسلام براساس الزامات حکومت و نخبگان سیاسی حاکم است. هرچند گسترش فضاهای فرصت اقتصادی و سیاسی، عمدتاً در دهه‌های اخیر موجب شده تا چنین راه‌حلی، در پوشش قانون اساسی، در معرض نوسازی، بازنگری و حتی مخالفت قرار گیرد. تا حدی که می‌توان گفت ظهور ترکیه‌ای جدید بستگی به نحوه تسویه حساب دین و سیاست و لزوماً حل و فصل آن در فرآیندی دموکراتیک دارد.

در سال‌های اخیر عقاید متفاوتی در رابطه با نقش و مفهوم سکولاریسم در ترکیه وجود داشته که میوه دگردیسی اجتماعی-سیاسی کشور در دوران اخیر است. در اردوگاه سکولارگرایان دست‌کم سه موضوع قابل مشاهده است. الف: قرائت جامد کمالیستی از سکولاریسمی ستیزه-جو که بر "آزادی از دین" تأکید دارد. ب: فهم محافظه‌کارانه ترک-اسلامی از سکولاریسمی که مبتنی بر دین است و برداشت لیبرال از سکولاریسم که به جدایی دین از سیاست (آزادی دین) معتقد است. نخبگان و بزرگان تجارت در استانبول، برخی سیاستمداران و جوامع علوی مدافع وجه سوم‌اند. (یاوز، ۲۰۰۰: ۱۱) با این حال جریان حزب عدالت و توسعه سعی می‌کند با فراروی از دوگانگی‌های اسلام‌گرایی-سکولاریسم بر فهمی از دین

<sup>۱</sup> - Bruce



تأکید کند که سازگاری بیشتری با اندیشه‌های نوین و مسائلی مانند حقوق بشر، دموکراسی، قانون مداری و آزادی دارد. به طور کلی می‌توان مواضع سکولارها را موردی به صورت زیر مطرح کرد:

۱. وفاداری به آرمان‌های جمهوری نوین ترکیه و دفاع از آنان؛
۲. گرایش به اندیشه‌های روشنگری در غرب و حفظ و حراست از این ارزش‌های راه یافته به جامعه ترکیه؛
۳. ترکیه یک کشوری اسلامی است، اما قانون، سیاست و اداره جامعه آن مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی نیست؛
۴. سکولاریسم ترکیه به معنای بی‌دینی نیست، بلکه به معنای کنار رفتن دین از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی است؛
۵. سکولاریسم ترکیه کوششی برای ارتقای عقلانیت در جوامع اسلامی است که در عین پایبندی به فرهنگ اسلامی بر خرد و عقلانیت بشری برای اداره جامعه خود متوسل می‌شود؛
۶. دین یک نهاد اجتماعی است و الزاماً نباید در راستای اهداف ایدئولوژیکی قرار گیرد؛
۷. اجتماعی بودن دین اسلام در ترکیه به معنای پویا بودن و پاسخگو بودن آن به مسائل مستحدثه است. از این جهت سکولاریسم ترکیه حافظ دین و فرهنگ دینی به شمار می‌رود؛
۸. سکولاریسم ترکیه دین‌ستیز نیست. بلکه حوزه‌های سیاسی و دینی را از هم تفکیک می‌کند تا فرایند توسعه جامعه با مسائل دینی درهم آمیخته نشود؛
۹. سکولاریسم شکل گرفته در ترکیه بر وظایف دین و علمای دینی برای ساختن جامعه-ای آباد و آزاد تأکید می‌کند و درصدد است تا دین را به یکی از مؤلفه‌های سازنده جامعه بدل سازد؛
۱۰. سیاست خارجی ترکیه مبتنی بر نگاه غرب است. از این جهت، پیوند فرهنگی و سیاسی و ورود به اتحادیه اروپا می‌تواند در رأس سیاست خارجی ترکیه قرار گیرد؛ جایگاه ترکیه به عنوان قدرتی واسطه میان جهان اسلام و غرب هنگامی می‌تواند الگوی موفق‌تری تلقی شود که در سیاست خارجی، جهت‌گیری غرب‌گرایانه آن برجسته باشد؛
۱۱. در نهایت اینکه ترکیه یک کشور اسلامی است، اما اداره جامعه و قوانین آن بر جدایی دین از سیاست بنا شده است.

در مجموع باید گفت که ترکیه کنونی وارد فضای جدیدی شده است. فضایی که از سال ۲۰۰۲ و با قدرت گرفتن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه آغاز شده است و درصدد است تا با ارائه الگویی تلفیقی از اسلام و سکولاریسم، نماینده اسلام سیاسی در خاورمیانه و حتی جهان اسلام تلقی شود. رشد اقتصادی ترکیه، قرار گرفتن در منطقه‌ای که واسطه دو قاره بزرگ آسیا و اروپا به شمار می‌رود، وجود فرهنگ‌های گوناگون در این کشور و سوابق امپراتوری، نماینده خلافت عثمانی و پیشرو بودن در جمهوریت و قانون اساسی سکولار از جمله مواردی است که می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای حزب عدالت و توسعه به شمار آید. به این ترتیب تقیه بزرگ سپهر عمومی سرپوش گذاردن بر باورهای واقعی افراد از سوئی و به نمایش گذاشتن همسازی با سکولاریسم رسمی کمالیستی، به قصد احتراز از مجرم شناخته شدن، از سوی دیگر است. بازتاب این نکته را می‌توان در سخنانی از نخست‌وزیر اردوغان ملاحظه کرد که متضمن بازتعریف وی از سکولاریسم است:

"سکولاریسم به عنوان ضامن اصلی صلح و دموکراسی اجتماعی، مفهومی دوجبهی است. نخستین وجه آن این است که ساختار حکومت نباید بر قوانین دینی استوار باشد. لازمه آن نیز وجود یک نظام حقوقی استاندارد، منسجم و یکپارچه است. وجه دوم سکولاریسم لزوم بی‌طرفی حکومت است که باید، ضمن حفظ فاصله برابر با همه باورهای دینی، آزادی دین و عقیده افراد را تضمین کند. در ماده دوم قانون اساسی، در تعریف محتوای سکولاریسم، خاطر نشان شده که سکولاریسم به مفهوم بی‌خدایی نیست و هر فرد حق دارد هر باور یا مذهبی را داشته باشد، در برگزاری آداب دینی خود آزاد باشد و صرف‌نظر از دین خود، از حق یکسان در برابر قانون برخوردار باشد. این ویژگی‌ها سکولاریسم را به اصل بنیانی و وحدت‌آفرین جمهوری مبدل ساخته است. از تصمیمات شایسته مصطفی کمال در جریان جنبش آزادی‌بخش ملی و نیز مفاهیم بازتاب دهنده این تصمیمات که توسط ملت ما به‌طور کامل درونی شده‌اند، باید غیرتمندانه پاسداری شود. باور من این است که ما می‌بایست با دقت از تبدیل مفاهیم وحدت بخش به عوامل نارضایتی اجتماعی احتراز کنیم و از این‌روست که پاسداری از ذات و معنای این مفاهیم ضرورت می‌یابد". (یاوز، ۱۳۹۴: ۲۵۵) از این جهت، حزب عدالت و توسعه بر سکولاریسمی تأکید دارد که حاصل فرآیندی دموکراتیک باشد. سیاست‌مداران حزب عدالت و توسعه نگرشی دوسویه دارند. آنان درعین حال که گریزی از همسازی با دکترین کمالیستی ندارند، در درون سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که در راستای تضعیف کمالیسم است. با این حال، رهبران

حزب و شخص اردوغان خود را یک اسلام‌گرا معرفی می‌کند که هیچ‌گاه نمی‌تواند در تقابل با ارزش‌های جمهوری ترکیه و ارزش‌های کمالیستی قرار بگیرد. اردوغان با توسعه دادن مفاهیم متجددانه و قرائت پویا از دین اسلام رفته‌رفته دامنه اقتدارگرایی خود و حزب متبوعش را بر سراسر گفتمان‌های حاضر در صحنه سیاسی و اجتماعی ترکیه می‌گستراند. این فرایند هر چند از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ به صورتی مسالمت‌آمیز پیگیری شده بود، اما با نهادینه شدن قدرت در درون دستگاه‌های درونی حزب و گرایش‌های متضاد در میان گفتمان‌های حاکم در این کشور، نشانه‌هایی از چالش و منازعه بر سر تقسیم قدرت در ترکیه شکل گرفته است.

### چالش‌های اسلام‌گرایان و سکولارها در ترکیه

چنین به نظر می‌رسد که تضادهای گفتمان اسلام‌گرایی و سکولاریستی در ترکیه بر مبنای "امر واقع" بنا شده است. بدین معنا که نمی‌توان با تلفیق آموزه‌های دو گفتمان، درصد رفع تنش‌های بنیادین میان این دو گفتمان برآمد. به عبارتی ساده، حوزه‌های مورد مناقشه در میان سکولارها و اسلام‌گرایان باعث وجود گرایش‌های متضادی در میان آنان شده است که به تبع آن سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به‌طور خلاصه، اسلام‌گرایان و سکولاری‌های ترکیه در مسائل متعددی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظرها در سال ۲۰۰۷ و با شروع دوره دوم حزب عدالت و توسعه کمابیش نمایان شده است. با این حال در زیر به مواردی اشاره می‌شود که ممکن است در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی باعث اختلاف نظرهایی میان اسلام‌گرایان و سکولاریست‌ها شود.

### - آموزش‌های دینی

اسلام‌گرایان ترکیه دارای پایگاه‌های اجتماعی خاصی هستند که بیش از همه در مراکز و اماکن مذهبی و عبادی به ترویج دیدگاه‌های موردنظر خود می‌پردازند. هرچند با تأسیس جمهوری نوین ترکیه توسط آتاتورک، فرایند تربیت و تعلیم اماکن مذهبی به دست دولت سپرده شده است، اما گفتمان اسلام‌گرایی در تلاش است تا با حفظ استقلال خود از مداخله جریان‌های دولتی در امان بماند. البته فرایند اسلام‌گرایی در ترکیه با قدرت گرفتن آنان در مناصب سیاسی افزایش مضاعفی داشته است. چنانچه در قوانین دولتی ترکیه درباره تعلیم و آموزش مذهب می‌خوانیم: مدارس امام خطیب در چارچوب ماده ۴ قانون شماره ۴۳۰ وحدت آموزش، ماده ۳۲ قانون شماره ۱۳۷۹ آموزش ملی، بدواً توسط حکومت به منظور تربیت امامان مساجد پایه‌گذاری شدند. (مهمت، ۲۰۰۵: ۲۱۴) این مسئله نشان می‌دهد که موضوع اداره نهادهای

دینی در ترکیه بر عهده دولت گذاشته شده است. به نظر می‌رسد ترس نخبگان سکولار ترکیه از آن جهت است که آزاد گذاشتن نهادهای مذهبی باعث قدرت گرفتن آنان و تشکیل یک حکومت اسلامی برخلاف آرمان‌های جمهوری آتاتورک می‌شود.

با این حال، مدارس مذهبی و دینی در ترکیه دارای کار ویژه‌های مخصوص خود هستند. این مدارس به تدریج به مدارس عمومی عادی مبدل شدند و وظیفه آماده‌سازی فرزندان خانواده‌های محافظه‌کار و متدین برای طی تحصیلات عالی را نیز بر عهده گرفتند. در سال‌های ۱۹۹۰ این مدارس بیش از مدارسی صرفاً حرفه‌ای با هدف تربیت کارگزاران دینی، کانونی مذهبی برای آماده‌سازی دانش‌آموزان به منظور طی دوره‌های آموزش عالی به خصوص در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی بودند. این مدارس که هم علوم دینی و هم طبیعی جزو برنامه درسی آنان بود، با استفاده از اعانات خصوصی بنا می‌شدند و وزارت آموزش عهده‌دار تأمین پرسنل آن بود. بیشتر خانواده‌های محافظه‌کار فرزندان خود را به این مدارس می‌فرستادند، که به خاطر برنامه‌های درسی آشکار و پنهان دینی خود، مشوق و مروج سبک زندگی اسلامی بودند. در میانه سال‌های ۱۹۹۰ اربکان از مدارس امام خطیب به عنوان حیات خلوتی برای اسلامی کردن جامعه دفاع می‌کرد. تمایز بین مدارس سکولار و امام خطیب به تدریج با دامن زدن به تنش عمده در نظام آموزشی به قطبی شدن متزاید دو قرائت متضاد از تاریخ، مدرنیته و هویت ملی منتهی شد. تا سال ۱۹۹۷ فارغ‌التحصیلان این مدارس می‌توانستند با شرکت در امتحانات دانشگاه و تحصیل در آن حقوق‌دان، دکتر و مهندس شوند. در کودتای نظامیان در سال ۱۹۹۷ شورای عالی آموزش با هدف متوقف ساختن اسلامی شدن کشور و جامعه ناگزیر شد تا فارغ‌التحصیلان مدارس امام خطیب را در آستانه ورود به دانشگاه غربال و گزینش کند. کاهش امتیاز میانگین نمرات فارغ‌التحصیلان این مدارس نیز دسترسی آنها به دانشگاه‌ها را محدودتر ساخت. در ماه مه سال ۲۰۰۱، دولت حزب عدالت و توسعه به منظور لغو محدودیت‌های تحمیلی کودتای نظامی ۱۹۹۷ و به قصد بهبود و ارتقای جایگاه مدارس امام خطیب از طریق گشودن راه فارغ‌التحصیلان آن به دانشگاه، لایحه‌ای را از تصویب گذراند. رئیس‌جمهور که همواره قائل به تمایز قاطع بین دین و نیازهای روز از سویی و معرفت دینی و عقل و دانش از سوی دیگر بود. این قانون را با استدلال نقض اصل سکولاریسم که بر جدایی سپهرهای اجتماعی، آموزشی، خانواده، اقتصاد و قانون از قوانین دینی دلالت داشت، وتو کرد. دولت حزب عدالت و توسعه با توجه به وتوی رئیس‌جمهور و نیز طرح انتقاداتی از سوی نظامیان و انجمن صاحبان صنایع و

بازرگانان ترکیه، تصمیم به انصراف از پیگیری موضوع و ارائه مجدد قانون وتو شده به پارلمان گرفت. با این همه دولت در دسامبر سال ۲۰۰۵ با تصویب آیین‌نامه‌ای خاص فارغ‌التحصیلان مدارس تربیت دینی که متضمن لغو محدودیت‌های ناشی از تأثیر نمرات آنان در آزمون‌های ورودی بود، درصدد عدول از تصمیم یادشده برآمد. شورای آموزش عالی در پی صدور این مصوبه دعوایی علیه آن در شورای کشور اقامه کرد. این شورا نیز در فوریه سال ۲۰۰۶ مصوبه یاد شده را که به فارغ‌التحصیلان مدارس امام خطیب اجازه می‌داد که با اخذ دیپلم عادی دبیرستان برای ورود به دانشگاه مقررات اعمال شده بر نمرات خود را دور بزنند مسکوت گذاشت. مراجع دانشگاهی نیز اقدامات دولت در راستای تسهیل دستیابی فارغ‌التحصیلان مدارس امام خطیب به دانشگاه را مناقشه‌زا و "ضد سکولار" اعلام کردند. با استمرار منازعات بر سر مدارس امام خطیب، از جاذبه این مدارس نیز تا حد زیادی کاسته شد و اعداد شاگردان آن از ۵۱۱۵۰۲ نفر در سال تحصیلی ۱۹۹۷-۱۹۹۶ به ۸۴۸۹۸ نفر در سال تحصیلی ۲۰۰۳-۲۰۰۴ رسید. (کورو، ۲۰۰۶: ۱۱۶) از این جهت تربیت و آموزش دینی در ترکیه همواره مورد مناقشه دو گفتمان اصلی این کشور بوده‌اند. گفتمان سکولاریستی ترکیه افزایش تعداد این مدارس و اماکن را گامی برای اسلامی کردن حکومت در ترکیه و نادیده گرفتن ارزش‌های سکولاریستی جمهوری آتاتورک تلقی می‌کند.

البته قدرت گرفتن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه و قبل از آن روی کار آمدن نجم‌الدین اربکان باعث شده بود تا سخت‌گیری‌های گذشته علیه تربیت و آموزش کم‌تر شود و روند متساهلانه‌ای نسبت به این مسئله شکل گیرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که دولت در دسامبر سال ۲۰۰۳ تلاش زیادی کرد تا مقررات منبعت از فراگرد ۲۸ فوریه را که مدارس قرآنی را نیز هدف گرفته بود، با اعمال تغییراتی اندک در آن ملغی سازد. مختار بودن مدارس قرآنی در دایر کردن کلاس‌های عصر، کاهش حداقل سن ثبت‌نام از ۱۵ سال به ۱۰ سال، اجازه ادامه فعالیت برای دوره‌های بیش از دو ماه و تسهیل دایر کردن خوابگاه، از جمله این تغییرات بود. دولت در این مورد نیز، در مواجهه با مخالفت شدید نهاد سکولار، عقب‌نشینی نمود. (یاوز، ۲۰۰۰: ۲۶۳-۲۶۲) چنین به نظر می‌رسد که روند افزایش قدرت گروه‌های اسلام‌گرا در ترکیه رو به فزونی نهد. از آن جهت که دولت اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه بر مواضع اسلام‌گرایانه خود در داخل و خارج تأکید می‌کند و حتی معلوم می‌شود که انتساب مواردی همچون دولت اخوانی به ترکیه خالی از معنا نیست.

## - مسئله حجاب (پوشش زنان)

مسائل اجتماعی مانند پوشش زنان و دختران همواره یکی از چالش‌های دولت‌های اسلامی در عصر مدرن بوده است. از یک طرف علاقه‌های سنتی و مذهبی در این جوامع مانعی برای ظهور پوشش‌های جدید محسوب می‌شوند و از طرفی دیگر، رشد آگاهی‌های عمومی و کم شدن مداخله دولت‌ها در مسائل اجتماعی باعث شده تا فرایند نظارت بر شهروندان کاهش چشمگیری پیدا کند و بدین ترتیب موجی از تضاد و دوپارگی بر فضای اجتماعی جوامع اسلامی شکل گرفته است. درباره ترکیه مسئله به‌گونه‌ای دیگر و میان دو گفتمان اسلام‌گرایی و سکولاریستی مورد مناقشه قرار گرفته است. چنانچه سکولارها چادر و روسری را تهدیدی علیه اصول جمهوری و رسالت آن در خلق شهروندانی "مدرن" می‌دانند و سکولاریسم را شاه کلید فراگرد مدرنیزاسیون و پروژه ملت‌سازی آن قید "رهایی" در اصول جمهوری به "کشف حجاب" و مشارکت کامل زنان در زندگانی اجتماعی تعبیر شده و در نتیجه پوشش و آزادی زنان سنجه‌ای برای پیشرفت مدرنیزاسیون در کشور به حساب می‌آید. براساس سیاست‌های جاری حکومت، زنان در صورت استفاده از روسری اجازه ورود به دانشگاه‌ها و سایر اماکن دولتی را ندارند. حتی همسران وزرا نیز چنانچه روسری داشته باشند مجاز به شرکت در برنامه‌های دولتی و ضیافت‌های رسمی نیستند. در این میان حزب حاکم عدالت و توسعه با توجه به ریشه‌های اسلامی خود، هرگز بر تمایل خود مبنی بر لغو ممنوعیت استفاده از روسری سرپوش نگذاشته است. (یاوز، ۲۰۰۰، ۲، ۶۴) با این حال، جریان سکولاریستی در ترکیه از پایگاه اجتماعی قدرتمندی برخوردار است و با سوق دادن مسئله حجاب به تهدید ارزش‌های کمالیستی، درصدد است تا فضای اجتماعی را به صورت شکلی بر مبنای مدرنیته غربی جلوه دهد. بدین معنا که قوانین سکولاریستی بر رهایی و آزادی مردان و زنان بنا شده است و این مسئله نیز با استناد به قوانین جمهوری ترکیه می‌بایست همچنان پابرجا بماند.

چنانچه گفتیم دستگاه قضایی و جامعه روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان ترکیه از مهمترین پایگاه‌های اجتماعی گفتمان سکولاریستی در ترکیه محسوب می‌شوند. به همین دلیل، شورای کشور، عالی‌ترین دادگاه اداری ترکیه، به خاطر برخی تصمیمات خود همواره آماج انتقادهای مسلمانان متدین بوده است. به عنوان مثال، شعبه دوم این شورا زمانی حکمی از شعبه ۶ دادگاه اداری آنکارا را اعلام کرد که در آن اقدام دولت محلی آنکارا در ممانعت از ترفیع شغلی آموزگاری به نام آیتاچ کیلینچ به پست ریاست کودکستان بایروک در گلباسی، در نزدیکی آنکارا به

خاطر استفاده از روسری در مسیر آمد و شد به کودکان، توجیه شده بود. سیاست مداران حزب عدالت و توسعه، از جمله اردوغان، در واکنش به این رأی آن را محکوم کرده بودند. مبنای تصمیم شورای کشور این بود که آموزگار مورد بحث "به عنوان الگویی ناشایست برای شاگردان خود، اصول سکولار منبعت از قانون اساسی ترکیه، متضمن ممنوعیت نمایش ترجیح دینی خاص از سوی حکومت را نقض کرده است". مسئولان حزب عدالت و توسعه این مصوبه را نیز با این استدلال که تصمیم قضایی نمی‌تواند ناظر بر پوشش آموزگاران در خارج از محیط مدرسه باشد، محکوم کردند. در سال‌های اخیر دادگاه‌ها از اختیاراتشان برای بسط شمول ممنوعیت استفاده کارکنان دولت از روسری در زندگی خصوصی آنان نیز سود جستند. (آیودی، ۲۰۰۰: ۲۶) چنانچه ملاحظه می‌شود گفتمان اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه به دلیل علاقه‌های مذهبی خود سعی می‌کند در مسائل اجتماعی حساسی مانند پوشش زنان جانب احتیاط را رعایت کند و حتی به نفع اسلام‌گرایان و آموزه‌های اسلامی وارد عمل شود. این موضع‌گیری‌ها همواره با اعتراض سکولارها مواجه بوده است. سکولارهای ترکیه ادامه این وضع را برقراری یک حکومت اسلامی و نادیده گرفتن ارزش‌های کمالیستی توصیف می‌کنند.

#### - مناقشه اکراد

انتخاب نام و عنوان "ترکیه" برای کشوری که دارای قومیت‌ها و اقلیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متعددی است، مناقشات زیادی را پدید آورده است. در وهله اول این نام باعث طرد گروه‌هایی می‌شود که ریشه ترکی ندارند. یکی از این گروه‌های مهم و مورد مناقشه "کردها" هستند. مسئله کردها در روند سیاسی-اقتصادی داخلی و برون مرزی ترکیه همواره اثری چشمگیر و تعیین‌کننده داشته و این اثر به شکل‌های گوناگون در سال‌های گذشته در دگرگونی و تحول به سر برده. انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی با هدف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تغییری پایه‌ای را در سیاست ترکیه برای اعطای برخی حقوق و آزادی‌ها به اقلیت دوازده میلیونی کرد این کشور به همراه داشت. (نوپرست، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۰۹) از زمانی که مسئله کردها به مانع مهمی در روابط ترکیه با جهان غرب تبدیل شد، دولت ترکیه با معضل بزرگی مواجه بوده است. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶۵) از یک طرف دولت مرکزی نمی‌تواند نسبت به مسئله امنیت و یکپارچه سازی جامعه ترکیه بی‌توجه باشد و از طرفی دیگر، حقوق گروه قومی کرد روزبه‌روز در حال افزایش است. به طوری که کمتر مسئله‌ای در تاریخ ترکیه نوین وجود دارد که به اندازه مناقشه کردها چالش‌هایی برای دولت‌های مرکزی ایجاد کرده باشد. به علاوه، تصمیم حزب

عدالت و توسعه برای ورود به اتحادیه اروپا و ضرورت حفظ موازین حقوق بشری، مسئله کردها را پیچیده‌تر کرده است.

طرح گشایش در مسئله کردی یا طرح گشایش دموکراتیک یکی از اقدامات اساسی و مهم حزب عدالت و توسعه بعد از رسیدن به قدرت بود. البته این طرح از دهه ۹۰ مطرح شده بود و اسلام‌گرایان چه تندروها و چه میانه‌روها از آن استقبال می‌کردند. این طرح در پیوند با سایر رویه‌های مبتنی بر گشایش در مسائل حل نشده داخلی و خارجی جمهوری ترکیه وجهه‌ای دموکراتیک از حزب عدالت و توسعه در ترکیه به همراه داشت. بشیر آتالای وزیر کشور ترکیه نیز ضمن معرفی وزارت خانه متبوعش به عنوان هماهنگ کننده در زمینه همکاری دولت با طرح گشایش دموکراتیک اعلام کرد: این مسئله از هر حیث زبان‌های زیادی را به ترکیه تحمیل کرده است و آسیب‌های جدی در این خصوص به ملت ترکیه وارد شده است؛ بنابراین حل مسئله ترکی امری لازم و ضروریست و دولت ترکیه برای حل این مسئله مصمم و ثابت قدم است و در این راه گام‌های جسورانه برمی‌دارد. وی همچنین گفت این مسئله در راستای توسعه حقوق مدنی تک‌تک آحاد جامعه صرف‌نظر از اینکه در کجا زندگی می‌کنند و گسترش دموکراسی در بین مردم قابل حل است. به نظر می‌رسد دولت حزب عدالت و توسعه درصدد است تا با تفکیک جریان مسلح کردها و سرکوب گروه‌های افراطی وابسته به پ‌ک‌ک، گروه‌های معتدل و میانه‌رو کردها را به زیر چتر حکومت مرکزی در بیاورد. در همین راستا، نخستین بار در تاریخ کشور ترکیه اردوغان دبیر کل حزب عدالت و توسعه و نخست‌وزیر اسلام‌گرای این کشور با حضور در محافل روشنفکری این کشور و شهر کردنشین "ئامد" (دیار بکر) تأکید کرد که مسئله کردها از راه دموکراسی قابل حل است. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۴۲)

با این حال، گروه‌های سکولار در ترکیه نیز مناقشه اکراد را مخالف دولت واحد سرزمینی در این کشور تلقی می‌کنند و خواهان سرکوب آنان هستند. به نظر می‌رسد قدرت گرفتن کردها در عراق پس از سقوط صدام و خلأ شکل گرفته در سوریه، باعث شد تا خطر کردها بیش از پیش به مسئله‌ای بحرانی برای این کشور تلقی شود؛ اما مطابق گرایش‌های ناسیونالیستی کمالیست‌ها در ترکیه و مطابق تعریف ارائه شده در ایدئولوژی کمالیستی که امروزه سکولار-های نیز از آن پیروی می‌کنند همه شهروندان ترکیه، ترک هستند و ساکن آناتولی و کردها نمی‌توانند خواستار توجه به حقوق اقلیت شوند، زیرا آنها اقلیت نیستند و در دهه گذشته منازعه داخلی بر سر مسئله کردها ابعاد بین‌المللی پیدا کرده و مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گرفته و به



نظر می‌رسد که پس از دستگیری عبدالله اوجالان توجه دوباره به مناطق کردنشین، زمینه برای توجه مجدد به حقوق اقلیت‌ها و کردها فراهم شده است. تندروهای ملی‌گرا و نظامیان ترک با این طرح مخالف بودند زیرا مدعی بودند چنین سیاستی اتحاد و یکپارچگی دولت ترک را تهدید می‌کند.

### - سیاست خارجی اسلام‌گرایان و سکولارها

در سال ۱۹۹۶ که اربکان به نخست‌وزیری رسید تلاش کرد سیاست نگاه به شرق را جایگزین سیاست نگاه به غرب ترکیه کند. در دوران اربکان، روابط ترکیه با کشورهای اسلامی توسعه یافت و حاصل تلاش‌های دولت او تشکیل اجلاس سران ۸ کشور اسلامی تحت عنوان «دی-هشت» بود. همچنین توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با دولت اسلام‌گرای ترکیه نیز بهبود قابل ملاحظه‌ای یافته بود. دولت اردوغان با بهره‌گیری از تجربه دولت اربکان تلاش کرد سیاست نگاه به شرق اربکان را در سیاست نگاه به غرب سنتی ترکیه ادغام کند و از مزایای هر دو آنها بهره‌گیری کند. تلاش‌های اردوغان و عبدا... گل در عرصه سیاست خارجی به‌ویژه در خصوص تنش‌زدایی در منطقه، همکاری با اروپا و فعالیت‌های بین‌المللی دست آورده‌ای زیادی برای ترکیه داشت. حزب عدالت و توسعه برقراری ارتباط نزدیک با اتحادیه اروپا را به عنوان محوری‌ترین سیاست خارجی خود در ابتدای روی کار آمدنش قرارداد اما از سال ۲۰۰۵ به بعد بنا به دلایلی رو به سردی گرایید. از جمله: کندی اصلاحات داخلی، کاهش حمایت مردم ترکیه از عضویت این کشور در اتحادیه اروپا (به‌گونه‌ای که میزان حمایت از ۷۳ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید). انتخاب نیکولا سارکوزی، به عنوان رئیس‌جمهور فرانسه که معتقد است ترکیه به جای عضویت در اتحادیه اروپا، باید در اتحادیه مدیترانه نقش فعالی ایفا نماید. شدت یافتن فعالیت‌های تروریستی حزب کارگران کردستان PKK در شمال عراق و تأکید اتحادیه اروپا بر کنترل شدید غیرنظامیان و امور نظامی از جمله عواملی است که عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را با مانع جدی روبه‌رو نموده است. (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۷) با این حال، رهبران حزب عدالت و توسعه همچنان پیوستن به اتحادیه اروپا را مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی ترکیه می‌دانند.

از طرفی دیگر، دکتربین سیاست خارجی احمد داوود اغلب نیز تغییراتی اساسی در وضعیت سیاست خارجی ترکیه نیز پدید آورده است. این ایده که اهمیتی ژئوپلیتیکی دارد، بر نقش فعال ترکیه پس از جنگ سرد صحنه می‌گذارد و وظایف جدیدی را برای آن تعریف می‌کند.

به عقیده اغلب؛ از منظر اهمیت ژئوپلیتیک، پایان جنگ سرد ترکیه را تضعیف نکرده است، اما یک جرقه‌ای در داخل ترکیه پدید آورده است که به ارزیابی نقش انتقادی ترکیه در روابط بین‌الملل منجر شده است. (داوداغلو، ۲۰۰۱: ۱۷) در همین راستا نیز دولت اردوغان در تلاش است تا نوعی سیاست خارجی چندوجهی را دنبال کند؛ بدین معنا که در عین حفظ همکاری با اروپا و آمریکا، روابط خوبی نیز با دیگر قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه داشته باشد. گرایش سیاست خارجی ترکیه بیشتر به سوی استقلال عمل می‌باشد. نمونه روشن این سیاست را می‌توان در رد لایحه عبور سربازان آمریکایی از خاک ترکیه و امتناع این کشور از قرار دادن پایگاه‌های نظامی در اختیار آمریکا برای حمله به عراق ملاحظه کرد. هدف ترکیه از گسترش روابط با کشورهای منطقه و قدرت‌هایی مانند روسیه و چین این است که در تعامل با اتحادیه اروپا در معادلات منطقه‌ای بر اعتبار خود بیفزاید. مجموعه اقدامات خارجی دولت اردوغان موجب شد روابط این دولت با کشورهای منطقه، کشورهای غربی و جهان اسلام گسترش یابد. در انتخابات ۲۰۰۷ پارلمانی ترکیه، دو جبهه اسلام‌گرا از یک‌سو و طرفداران لائیسزم و کمالیسم از سوی دیگر با همه امکانات خود در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده بودند. نتایج انتخابات نشان دهنده این واقعیت است که مردم ترکیه حتی در مقایسه با انتخابات سال ۲۰۰۲، ۱۲ درصد بیشتر به حزب عدالت و توسعه رأی دادند. رأی قاطع به این تفکر به معنی افول تدریجی تفکرات کمالیسم می‌باشد که این خود بیانگر آن است که لائیسزم در ترکیه نمی‌تواند از پایگاه مردمی برخوردار باشد. به همین دلیل است که در سیاست خارجی نیز مسیری طراحی شده است که پاسخگوی واقعیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی ترکیه باشد. در سال‌های اولیه هزاره سوم، تغییراتی در چرخش موازنه‌ای بین این دو جهت‌گیری عمده سیاست خارجی ترکیه به نفع جهت‌گیری پیرامون نگرانی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که ترکیه اکنون تا حدی خود را درگیر منازعات منطقه‌ای (در حوزه‌های جغرافیایی خاورمیانه، قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و اتحادیه اروپا) نموده است. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۱) از نظر اغلب، بعد از جنگ سرد ملت ترکیه از خواب بیدار شد. واقعیت این است که این کشور در بالکان و قفقاز با مشکلاتی اساسی روبروست. (داوود اغلب، ۲۰۰۱: ۳). به همین دلیل، ترکیه کنونی، نباید خود را به یک منطقه و یا محدوده خاصی معطوف نماید و از توجه به سایر مناطق صرف‌نظر کند.

تلاش‌های اردوغان و عبدا... گل در عرصه سیاست خارجی به ویژه در خصوص تنش‌زدایی در منطقه، همکاری با اروپا و فعالیت‌های بین‌المللی دست آورد زیادی برای ترکیه داشت.

حزب عدالت و توسعه برقراری ارتباط نزدیک با اتحادیه اروپا را به عنوان محوری‌ترین سیاست خارجی خود در ابتدای روی کار آمدنش قرارداد اما از سال ۲۰۰۵ به بعد بنا به دلایلی رو به سردی گرایید. از جمله: کندی اصلاحات داخلی، کاهش حمایت مردم ترکیه از عضویت این کشور در اتحادیه اروپا (به گونه‌ای که میزان حمایت از ۷۳ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید). انتخاب نیکولا سارکوزی، به عنوان رئیس‌جمهور فرانسه که معتقد است ترکیه به جای عضویت در اتحادیه اروپا، باید در اتحادیه مدیترانه نقش فعالی ایفا نماید. شدت یافتن فعالیت‌های تروریستی حزب کارگران کردستان PKK در شمال عراق و تأکید اتحادیه اروپا بر کنترل شدید غیرنظامیان و امور نظامی از جمله عواملی است که عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را با مانع جدی روبه‌رو نموده است. (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۷). با این حال، رهبران حزب عدالت و توسعه همچنان پیوستن به اتحادیه اروپا را مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی ترکیه می‌دانند.

از طرفی دیگر، دکترین سیاست خارجی احمد داوود اگلب نیز تغییراتی اساسی در وضعیت سیاست خارجی ترکیه نیز پدید آورده است. این ایده که اهمیتی ژئوپلیتیکی دارد، بر نقش فعال ترکیه پس از جنگ سرد صحنه می‌گذارد و وظایف جدیدی را برای آن تعریف می‌کند. به عقیده اگلب؛ از منظر اهمیت ژئوپلیتیک، پایان جنگ سرد ترکیه را تضعیف نکرده است، اما یک جرقه‌ای در داخل ترکیه پدید آورده است که به ارزیابی نقش انتقادی ترکیه در روابط بین‌الملل منجر شده است. (داوداگلو، ۲۰۰۱: ۱۷) در همین راستا نیز دولت اردوغان در تلاش است تا نوعی سیاست خارجی چندوجهی را دنبال کند؛ بدین معنا که در عین حفظ همکاری با اروپا و آمریکا، روابط خوبی نیز با دیگر قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه داشته باشد. گرایش سیاست خارجی ترکیه بیشتر به سوی استقلال عمل می‌باشد. نمونه روشن این سیاست را می‌توان در رد لایحه عبور سربازان آمریکایی از خاک ترکیه و امتناع این کشور از قرار دادن پایگاه‌های نظامی در اختیار آمریکا برای حمله به عراق ملاحظه کرد. هدف ترکیه از گسترش روابط با کشورهای منطقه و قدرت‌هایی مانند روسیه و چین این است که در تعامل با اتحادیه اروپا در معادلات منطقه‌ای بر اعتبار خود بیفزاید. مجموعه اقدامات خارجی دولت اردوغان موجب شد روابط این دولت با کشورهای منطقه، کشورهای غربی و جهان اسلام گسترش یابد.

در انتخابات ۲۰۰۷ پارلمانی ترکیه، دو جبهه اسلام‌گرا از یک‌سو و طرفداران لائیسزم و کمالیسم از سوی دیگر با همه امکانات خود در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده بودند. نتایج انتخابات نشان

دهنده این واقعیت است که مردم ترکیه حتی در مقایسه با انتخابات سال ۲۰۰۲، ۱۲ درصد بیشتر به حزب عدالت و توسعه رأی دادند. رأی قاطع به این تفکر به معنی افول تدریجی تفکرات کمالیسم می‌باشد که این خود بیانگر آن است که لائیسزم در ترکیه نمی‌تواند از پایگاه مردمی برخوردار باشد. به همین دلیل است که در سیاست خارجی نیز مسیری طراحی شده است که پاسخگوی واقعیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی ترکیه باشد. در سال‌های اولیه هزاره سوم، تغییراتی در چرخش موازنه‌ای بین این دو جهت‌گیری عمده سیاست خارجی ترکیه به نفع جهت‌گیری پیرامون نگرانی به چشم می‌خورد. به‌گونه‌ای که ترکیه اکنون تا حدی خود را درگیر منازعات منطقه‌ای (در حوزه‌های جغرافیایی خاورمیانه، قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و اتحادیه اروپا) نموده است. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

در هر صورت گفتمان جدید اسلام‌گرایی تلاش می‌کند تعریفی جدید از ارتباط عملی اسلام و تجدد در جامعه ترکیه ارائه دهد. این گفتمان ادعا دارد تناقضی میان اسلام و لائیسزم نیست و معتقد است که اسلام دین است درحالی که لائیسزم نوعی شیوه مملکت‌داری است و نباید میان این دو خلط کرد. در این دیدگاه از یک طرف، دین در امور اجرایی و سیاست‌گذاری به‌طور مستقیم دخالت ندارد و از طرف دیگر، دولت نیز به باورهای دینی افراد و گروه‌ها احترام می‌گذارد و آنها آزاد خواهند بود تا مطابق با اعتقادهای دینی خود در اجتماع رفتار کنند. (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱) بنابراین تفاوت دیدگاه‌ها در برنامه‌های سکولاریست-های ترکیه و اسلام‌گرایان، عواقب متفاوتی برای آینده سیاست خارجی این کشور رقم‌زده است. در گفتمان کمالیسم و سکولار، ترکیه دارای هویت غربی است تا شرقی و این هویت را در مقابل میراث و هویت اسلامی قرار می‌دهد. انعطاف و عمل‌گرایی در ارتباط با شرق در این گفتمان‌ها به خصوص کمالیسم مفقود شده درحالی که حزب عدالت و توسعه اهمیت آن را به عنوان یک واقعیت ژئوپلتیک می‌پذیرد. (کاگاپاتای، ۱۳۸۹: ۶۰) به همین دلیل است که گفته می‌شود سیاست خارجی جدید حزب عدالت و توسعه بر مبنای واقعیتی جغرافیایی بنا شده است که خواهان ایفای نقشی فعال به ترکیه است. در گفتمان اسلام‌گرایی کنونی، ایده نگاه به غرب جای خود را بازسازی و فعال‌سازی نقش منطقه‌ای ترکیه داده است. ایده‌ای که یادآور گذشته تاریخی، تمدنی و جغرافیای عثمانی نیز می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

سیاست داخلی و خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه با دو چالش

عمده روبرو شده است: اقتدارگرایی داخلی، و سیاست تهاجمی در سیاست خارجی. هر دو مسئله به شدت مشروعیت داخلی و بین‌المللی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. اقتدارگرایی داخلی بیش از هر چیز ناظر بر قدرت‌طلبی اردوغان است که با حذف رقیبان و تغییرات در قانون اساسی، یادآور سلطانیسم اسلامی و ترکی است که مدت‌های طولانی بر گذشته ترکیه مستولی بوده‌اند. واقعیت کنونی نشان می‌دهد که اسلام‌گرایان ترکیه همچنان نمی‌توانند نماینده قابل اعتمادی برای رعایت قواعد دموکراتیک به حساب آیند. اردوغان با تغییر قانون اساسی به نفع قدرت شخصی و حزبی خود، عملاً شرایط سختی برای حمایت از آموزه‌های دموکراتیک و حتی اصول کمالیسم پدید آورده است. برخی در داخل نیز وی را شخصیتی دیکتاتور، بی‌توجه به انتقادات، لجباز، تندخو و سرکوبگر می‌دانند که حتی در ماجرای کودتای اخیر (۲۰۱۶) نیز نقش داشته است و از این کودتا به‌عنوان بهترین تاکتیک و بهانه برای سرکوب و طرد مخالفان استفاده می‌کند. در عرصه تحولات منطقه‌ای نیز اسلام‌گرایان به مانند گذشته نمی‌توانند مواضع اردوغان در حمایت از کشورهای اسلامی نظیر مسئله فلسطین، مبارزه با زیاده‌خواهی آمریکا و مقابله با اسرائیل را باور کنند. ترکیه در عمل نشان داده که متحد استراتژیک آمریکا در منطقه است و در اغلب مسائل نظیر فشار بر دولت سوریه و تقابل با گروه‌های مقاومت منطقه در راستای سیاست‌های این کشور عمل کرده است. کمک‌های رسانه‌ای، مالی و نظامی به مخالفان بشار اسد و حمایت از برخی گروه‌های تروریستی در منطقه نشان می‌دهد که ترکیه در برخی سیاست‌های منطقه‌ای خود نظیر حمایت از کشورهای اسلامی به شکست مواجه شده است و راهی برای خروج از این بن‌بست ندارد.

نوع‌ثمنی‌گری در سیاست خارجی ترکیه مهم‌ترین مسئله‌ای است که ذهن برخی از تحلیلگران را به خود مشغول کرده است. در این سیاست که به گمان برخی تحلیلگران، ترکیه را وارد مناسبات جدیدی در منطقه و جهان کرده است، نکات جالبی وجود دارد. رهبران ترک تلاش می‌کنند تا با تکیه بر نقش «محوری» این کشور، جایگاه و رسالتی تاریخی و بزرگ برای کشور-شان در نظر گیرند که برخلاف گذشته، محدود به یک منطقه جغرافیایی خاص نیست. چنانچه بیان شد داود اغلب به صراحت لزوم گذار از مناسبات ترکیه قدیمی را گوشزد می‌کند و بر این باور است که ترکیه کنونی نه یک «پُل واسطه» (میان تمدن غرب و شرق - آسیا و اروپا)، بلکه یک محور مهم در این تمدن‌ها و مناطق است که محدود به یک منطقه جغرافیایی خاص نیز نیست. در این دیدگاه ترکیه کشوری محوری است که به دلیل تعلق داشتن به مناطق

مختلفی مانند آسیای میانه و مرکزی، خاورمیانه، شبه‌جزیره بالکان و اروپا می‌تواند واجد نقشی باشد که هیچ‌یک از کشورهای خاورمیانه از آن برخوردار نیستند. از سوی دیگر، تعلقات ایدئولوژیکی نیز رهبران حزب عدالت و توسعه را رها نمی‌کند. آنان با این استدلال که ترکیه کشوری اسلامی است به شدت به دفاع از سیاست‌های منطقه‌ای برخی جریان‌های اسلام‌گرا نظیر اخوان-المسلمین روی آورده‌اند.

اکنون پس از گذشت بیش از یک دهه از استقرار حکومت اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه و با وجود رشد اقتصادی بالا (گرچه با توجه به تحولات اخیر در منطقه از سرعت و ثبات رشد کاسته شده)، بیشتر ترک‌ها نسبت به وضعیت فعلی کشورشان در منطقه و جهان خوش‌بین هستند. رهبران حزب عدالت و توسعه همچنان می‌توانند با توجه به وضعیت مطلوب اقتصادی ترکیه و امیدواری برای پیوستن به اتحادیه اروپا، افکار عمومی را به سمت خود جلب کنند. رجب طیب اردوغان با کاهش محسوس نقش نظامیان و سرکوب گروه‌های تندروی داخلی مانند کردها، همچنان شخص اول ترکیه محسوب می‌شود. تغییرات قانون اساسی زمینه را برای تثبیت قدرت وی نیز فراهم کرده است. وعده‌های اردوغان برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باعث نگرانی نظامیان و کاهش محسوس قدرت آنها خواهد شد؛ اما این مسئله همچنان دشواری‌هایی در خود دارد. از آن جهت که برای اسلام‌گرایان افراطی قابل‌پذیرش نیست که فرهنگ اسلامی خود را در یک اتحادیه سراسر سکولار و مسیحی ادغام کنند؛ بنابراین شرایط سیاسی ترکیه در یک وضعیت «استثنائی دائمی» قرار گرفته است و تا حل منازعه دیرینه سنت و مدرنیسم، مذهب و سکولاریسم و دموکراسی و اقتدارگرایی بر همین مدار می‌چرخد. با این حال، اسلام-گرایان ترکیه همچنان خود را نماینده واقعی و دموکراسی اسلامی در جهان اسلام معرفی می-کنند و خود را پیش‌قراول تجددگرایی در منطقه می‌دانند که می‌تواند با احیای گذشته تاریخی، نقش مؤثرتری نیز بر عهده بگیرد.

## منابع فارسی

### کتاب

- ابراهیم متقی، دیگران (۱۳۹۵)، معمای امنیت و راهبرد منطقه‌ای ترکیه پس از کودتای جولای ۲۰۱۶، شماره دهم، اسفند ۹۵، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی
- قهرمان پوران، حسین (۱۳۹۲)، نقد کتاب سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، نویسنده هاکان یاوز، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان

### مقالات

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، ترکیه، پان ترکسیم و آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، شماره ۵، زمستان
- امام‌جمعه‌زاده و دیگران (۱۳۹۲)، تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳، زمستان
- روحی، نبی‌الله (۱۳۸۱)، رؤیای پان‌ترکیسم؛ بازخوانی اندیشه سیاسی در ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، راهبرد، شماره بیست و پنجم، پاییز
- رسول نوروزی، مجتبی عبدخدایی (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و هویت‌یابی تمدنی در ترکیه، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰، پاییز
- غلامعلی چگینی‌زاده، بهزاد خوش‌اندام (۱۳۸۹)، تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان
- کالجی، شهرام (۱۳۸۸)، عملکرد غیرایدئولوژیک اسلام‌گرایان ترکیه در سیاست خارجی، گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره ۲۱۲، مهر
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹)، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و تأثیر آن بر مناسبات روسیه و ترکیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، بهار
- گل‌محمدی، ولی (۱۳۹۴)، موضع استراتژیک ترکیه در تحولات یمن؛ اردوغان در نهایت به کدام سو گرایش پیدا می‌کند؟ گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۳۷، اردیبهشت

- محمدعلی بصیری، فاضل موسوی (۱۳۸۹)، نقش و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شماره پنجم، بهار
- مفیدنژاد، مرتضی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر اسلام سیاسی ترکیه، مجله رهاورد، سال هفتم، شماره ۲۶ و ۲۷، زمستان
- واعظی، محمود (۱۳۸۵)، علل پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه و پیامدهای آن، همشهری دیپلماتیک، شماره هفدهم، نیمه شهریور
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان‌ها، فصلنامه راهبرد، شماره چهل و هفتم، تابستان